

نقش مسجد در توسعه محله‌ای

دکتر بابک نگهداری

چکیده

یکی از مهم‌ترین رویکردهای توسعه، توجه به سرمایه‌های اجتماعی و تقویت شاخص‌های کمی و کیفی و به کارگیری آن در توسعه کشور است. این رویکرد نه تنها از قابلیت زمینه‌سازی جهت رشد و گسترش سرمایه‌های اجتماعی برخوردار است که معتقد است تقویت سرمایه‌های اجتماعی، نقش مهم و حیاتی در ابعاد مختلف توسعه جامعه داشته و نگاه تقلیل‌گرایانه و صرف‌را به معیارها و جنبه‌هایی از رشد، کاهش خواهد داد و همچنین زمینه‌ساز توسعه‌ای فراگیر، متوازن و پایدار خواهد شد. چنین رویکردی ضمن توجه به محیط پیرشتاب و متلاطم اطراف به بازشناسی زیرساختها و زیربنای فکری و فرهنگی خود پرداخته و اساس توسعه را بر پایه بنیان معرفتی و نظام فکری خود پی‌ریزی می‌نماید و ضمن استفاده از تجارب سایر جوامع از نگاه کلیشه‌ای، اقتباسی و تقلیل‌گرایانه اجتناب می‌کند.

عنصر دین، به ویژه دین اسلام و تجلیگاه آنکه همانا مسجد می‌باشد از جمله مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌گردد که همواره از نقش تعیین‌کننده در توسعه جوامع به ویژه در طول تاریخ انقلاب اسلامی برخوردار بوده است. در حال حاضر، چون مردم نسبت به مزیت‌های فرهنگی، مذهبی، اعتقادی و تاریخی خود دچار فراموشی شده‌اند، برای مشارکت در توسعه، دست خود را تهی می‌بینند و سهمی از توسعه را مطالبه می‌کنند، در صورتی‌که اگر آنها به ظرفیت‌ها و استعدادها بالقوه و متنوع تاریخی، مذهبی و فرهنگی خود پی‌برند و بدانند که برای تسریع جریان توسعه به ویژه در سطح توسعه محله‌ای، از چنین سرمایه‌های مهمی برای عرضه برخوردارند، خواهان ایفای نقش مثبت در توسعه خواهند شد. هدف مقاله حاضر،

استفاده از الگوی توسعه درون‌زای برون‌گر به عنوان مبنای برنامه ریزی توسعه شهری به‌ویژه توسعه محله‌ای از طریق پژوهش در گذشته تاریخی - مذهبی و بومی نمودن ویژگی‌های ساختاری محلی با توجه به چنین پژوهش‌هایی، بررسی نقش مساجد به‌عنوان محور فعالیت‌های تبلیغی و مهمترین وسیله ارتباط جمعی (که در نتیجه سیر تحول و تطور و توسعه مطلوب اجتماعی از سطح محله‌ای تا ملی را فراروی مسلمین می‌گشاید)، بررسی نقش مساجد محلات در استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه محله‌ای، و آسیب‌شناسی عدم توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلات و بروز توسعه نیافتگی شهری و محله‌ای است.

براساس نتایج حاصله از پژوهش فوق، می‌توان اذعان داشت که شناخت تنوع فرهنگی، در حقیقت شناخت ابداع و ابتکارات بشر در طول تاریخ و ظرفیت‌های متفاوت مناطق در محلات شهری است که ما از آن به عنوان مزیت‌های فرهنگی، مذهبی، عقیدتی و تاریخی یاد می‌کنیم که از سرمایه‌های جاودانه بشری محسوب می‌گردند و چنانچه به خوبی شناسایی شده و به‌کار گرفته شوند، رشد و توسعه جوامع از جوامع محله‌ای تا جوامع شهری را در پی خواهد داشت. مطالعه حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه نیز بهره‌گیری شده است.

واژگان کلیدی: سرمایه‌های اجتماعی - توسعه فراگیر - توسعه محلی - توسعه درون‌زای برون‌گر - توسعه نیافتگی - تنوع فرهنگی.

رابطه دین و نهادهای اجتماعی

جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان در قرون گذشته، از انسان به عنوان هوموارکتوس (انسان مستوی‌القامه) و هوموفابریگوس (انسان ابزارساز) و هوموپولیتیکوس (انسان سیاست‌ورز) سخن می‌گفتند. این در حالی است که امروزه از انسان با عنوان هومورلیجیوسوس (انسان دین‌ورز) نیز سخن به میان می‌آید، چرا که بر طبق جدیدترین پژوهش‌های جامعه‌شناختی، چه در آفریقای جنوبی و مکزیک (که به نسبت توسعه نیافته‌اند) و چه در آمریکا که پیشرفته‌ترین جامعه بشری (از نظر فرهنگ مادی) است، بیش از نودوپنج درصد انسان‌ها به وجود خداوند ایمان دارند و همین واقعیت، نظر و نظریه‌ای را که مدعی بود با پیشرفت و توسعه اجتماعی و افزایش رفاه مادی، دین و اندیشه دینی انحطاط یافته و در واقع این دو در نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند، ابطال می‌کند. دین، کهن‌ترین، نافذترین و اثرگذارترین نهاد اجتماعی بشر است. شاید تنها نماد علم، تحول آفرین‌تر و فرهنگ و تمدن‌سازتر از دین باشد. علاوه براین می‌توان

اذعان داشت که دین به علم و توسعه بشر از علم و توسعه به دین مدد رسانده است. به عبارت کلی‌تر می‌توان گفت که هرگاه بشر اندیشه ورز با انگیزه‌های صلاح یا از سر تحیر به تأمل در محیط اجتماعی خویش پرداخته است، ناخواسته خود را با شاخص‌ترین پدیده اجتماعی تأثیرگذار در حیات انسان‌ها یعنی دین مواجه دیده است، لذا سابقه اندیشه‌های اجتماعی در خصوص دین به قدمت اندیشه‌ورزی‌های اجتماعی بشر است که از گذشته‌های دور توسط فلاسفه و متکلمین هر عصر صورت گرفته است. هنگامی که افلاطون طرح اتوپیای خویش از یک جامعه ایده‌آل را ارایه می‌داد یا ارسطو از سهم ارزش‌های اخلاقی در حیات اجتماعی سخن می‌گفت، یا هنگامی که آگوستین در کتاب شهر خدا، تصویری آرمانی از نظام دنیوی همسان با نظم ازلی عرضه می‌نمود و فارابی انواع مدینه فاضله و رذیله را براساس میزان پابندی مردمانش به تعالیم الهی معرفی می‌نمود و ابن‌خلدون نقش دین و عصیت قبیله‌گی را در فراز و فرود حکومت‌ها تحلیل می‌نمود و جان کانون تلاش می‌نمود تا الگویی از جامعه مسیحی مورد نظر خود در ژنو بیان کند و به‌طور کلی هر زمان که فیلسوف یا متکلمی درباره اجتماع یا آرمان اجتماعی خویش سخن می‌رانده، بی‌آن که تصریح یا تفکیک نماید، به واقع درباره نقش و حضور اجتماعی دین سخن می‌گفته است. از آنجایی که دین به عنوان امر الهی برای سعادت انسان آمده است، آنگاه بر هر دو افق فردی و اجتماعی سایه می‌افکند، گو اینکه دین برای امور اجتماعی بیشتر از امور فردی اهمیت قایل است چرا که در تفکر اسلامی، حیثیت اجتماعی نسبت به حیثیت فردی اقوی است. حتی در استنباط احکام اسلامی، وقتی چیزی به مصلحت عام باشد، بر اموری که جنبه فردی داشته باشد، ترجیح پیدا می‌کند. همان‌گونه که در دو اثر گران‌بهای مرحوم علامه طباطبائی یعنی (جامعه و تاریخ) و (المیزان) نیز لحاظ گردیده است، در تفکر اسلامی نگاه به جامعه بر مصالح فردی اولویت دارد. اهمیت موضوع دین در جامعه، نه فی نفسه، بلکه به تبع تأثیراتی است که بر حیات اجتماعی گذارده یا از آن پذیرفته است. هنجارها و رفتارهای دینی افراد در سطح خرد، حیات اجتماعی جامعه در سطح کلان را متأثر می‌سازد. ادیان، علاوه بر تأثیرات مع‌الواسطه از طریق پیروی‌های فردی، دارای آثار و تبعات مستقیم بر محیط اجتماعی خویش‌اند چرا که خود را صاحب نقش و رسالت اجتماعی می‌شناساند.

توسعه و رابطه آن با زندگی اجتماعی

سابقه مبحث توسعه به عنوان موضوعی مشخص، به پس از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد.

در این دوره، عمدتاً دوگونه نظریه‌های مربوط به توسعه، تحت عنوان توسعه اقتصادی و نوسازی ظاهر می‌شود. طرفداران نظریه نخست عمدتاً از مفاهیم علم اقتصاد و طرفداران نظریه نوسازی عمدتاً از مفاهیم جامعه‌شناسی سود می‌جویند. بعدها، توجه به چارچوب‌های نمادی و ساختاری لازم برای توسعه اقتصادی به مفهومی پیشتر کیفی و جامعه‌شناختی تغییر یافت. با گسترش فضای مفهومی توسعه از واقعیتی اقتصادی به واقعیتی با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سبب گردید تا توسعه، موضوع تحلیل جامعه‌شناختی آن هم جامعه‌شناسی کلان (مدعی شناخت واقعیت‌های اجتماعی در قالب یک نظام و به عنوان یک کل) قرار گیرد.

با این تلقی از توسعه بود که مکتب نوسازی شکل گرفت. توسعه با استفاده از مفاهیم جامعه‌شناسی و کار پیشگامان جامعه‌شناسی مانند دورکیم، وبر، مارکس، تونیس که وارث سنت بررسی جوامع کلان بودند و مکاتب شکل گرفته براساس کارهای آنان از جمله مکتب کارکردی - ساختی معنی شده و مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که رشد مستمر درآمدسرانه، که توسعه جوامع با آن سنجیده می‌شد، متکی بر ساختار ویژه اقتصادی و در نتیجه ساختار ویژه جامعه بود، توسعه پیشتر در رابطه تنگاتنگ با نوع خاصی از سازمان جامعه و تغییرات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت و به تدریج، شاخص‌های غیراقتصادی توسعه تدوین گردید. در ابتدا محققین براین باور بودند که توسعه، تنها در گستره واحد اجتماعی کلانی به نام دولت - ملت یا جامعه محقق است اما با گذشت زمان این مسئله آشکار گردید که توسعه نوعی تغییر تاریخی است که در محدوده کلیه واحدهای اجتماعی اعم از دولت، ملت، جامعه، شهر و محله رخ می‌دهد. مفهوم توسعه با ارجاع به زندگی اجتماعی در مجموعه‌ای از جوامع، تعریف می‌گردد.

توسعه (نوسازی) به عنوان یک روند شناخته می‌شود. روندی تجمعی که نتیجه تعامل مجموعه‌ای از عوامل می‌باشد. این روند (توسعه) با شکل‌گیری ساختار مشخص و باز تولید آن ملازمه دارد. از این‌رو، مستلزم نوعی تغییر اجتماعی - تغییری در ساختار جامعه و به تعبیر تاریخی - است. علی‌رغم تنوع ساخت‌هایی که این تغییر در آنها رخ می‌دهد، ساختاری که توسعه با آن ملازمه دارد، ساختاری واحد است، از این‌رو، در این چارچوب‌های مفهومی، معمولاً از دوتایی‌هایی نظیر سنتی و مدرن، ماقبل سرمایه‌داری و سرمایه‌داری، توسعه نیافته و توسعه یافته و خرد و کلان برای طبقه‌بندی ساخت‌ها استفاده می‌گردد، که یک طرف آن با سلب سوی دیگر تعریف می‌شود.

رویکردهای توسعه

مهم‌ترین رویکرد توسعه، توجه به سرمایه‌های اجتماعی و تقویت شاخص‌های کمی و کیفی و به کارگیری آن در توسعه کشور است.

این رویکرد نه تنها از قابلیت زمینه‌سازی جهت رشد و گسترش سرمایه‌های اجتماعی برخوردار است که معتقد است تقویت سرمایه‌های اجتماعی نقش مهمی در ایجاد مختلف توسعه کشور داشته و نگاه تقلیل‌گرایانه و صرف را به معیارها و جنبه‌هایی از رشد، کاهش خواهد داد. همچنین زمینه‌سازی توسعه‌ای فراگیری، متوازن و پایدار خواهد شد. این رویکرد ضمن توجه به محیط پرشتاب و متلاطم اطراف به بازشناسی زیرساخت‌ها و زیربنای فکری و فرهنگی خود پرداخته و اساس توسعه را بر پایه بنیان معرفتی و نظام فکری خود پی‌ریزی می‌نماید و ضمن استفاده از تجارب سایرین از نگاه کلیشه‌ای، اقتباسی و تقلیل‌گرایانه اجتناب می‌نماید. عنصر دین به‌ویژه دین اسلام و تجلی‌گاه آن که همانا مساجد می‌باشند، از جمله مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌گردند که همواره از نقش تعیین‌کننده در توسعه و تحولات در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... به ویژه در طول تاریخ انقلاب اسلامی برخوردار بوده‌اند.

مساجد و هویت توسعه شهرهای اسلامی

مسجد در اسلام، تنها معبد نیست، زیرا اساسا، عبادت در اسلام، منحصر به دعا و نیایش و انجام امور ویژه دینی محدود نمی‌گردد. عبادت هر عمل و حقی است که آدمی نه برای نفع فردی خود، که برای خلق انجام می‌دهد و همین برای خلق که در اسلام از آن با عنوان «برای خدا» تلقی می‌گردد، نمونه‌ای از ظهور توسعه در جوامع اسلامی است. به بیانی دیگر مسجد در اسلام کانون عبادت است، اما عبادتی که دامنه تعریف و توسعه آن، چگونگی و چیستی کلیه امور مربوط به زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان اسلام را در بر گرفته و گزاره‌های دینی را مفهوم و عینیت می‌بخشد.

براساس همین گستردگی مفهوم عبادت در اسلام است که مسجد پیامبر برای کارکردی چندگانه اختصاص یافته و سنت بهره‌برداری چند منظوره را بنیان می‌گذارد.

نکته ظریف و پر معنایی که تنها در شناسنامه مسجد نهفته است و دیگر معابد، فاقد آن شاخصه مهم‌اند، پیوند دیانت و سیاست در تاروپود و در ساختار پیکره مسجد است، زیرا که تولد مسجد با ظهور و طلوع خورشید حکومت اسلامی آمیخته و همراه بوده و نظام مهندسی آن نشأت گرفته از تعالیم عالیه و مفاهیم هدفدار و بلند آسمانی و فرهنگ و ادبیات وحیانی است.

از آنجایی که بقاء و دوام فرهنگ دینی جوامع، علاوه بر بستگی آن به وجود قوانین متقن و وحیانی همواره مستلزم وجود کانون فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... بوده است، اسلام بیشتر در راستای شکل‌بندی چنین ستادی که مبتنی بر مرام نامه الهی و توحیدی می‌باشد، مسجد را پایه‌گذاری می‌نماید؛ به طوری که در طول تاریخ اسلام، شاهد فعالیت‌ها و تأثیرگذاری آن در حرکت‌های اسلامی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده و خواهیم بود. هویت شهرهای اسلامی به واسطه بنای مساجدی که بلندای گنبدها و مناره‌ها و آوای دلنشین اذان‌ش، آن را از دیگر شهرهای غیراسلامی متمایز می‌گرداند؛ و اساساً اطلاق شهر اسلامی به شهرهای فاقد مسجد وجه تسمیه‌ای در اسلام به خود اختصاص نمی‌دهد. مساجد در اسلام که همزاد با هجرت، فرصت تاریخی می‌یابند، نخستین طرح و بنایی هستند که با مشارکت مردم، در جامعه مدینه النبی به مورد اجرا گذارده شد. مسجد در کلام دل‌نواز پیشوایان مکتب اسلام تحت عناوین مرغوب‌ترین قطعه زمینی، محبوب‌ترین نقاط شهری، خانه مؤمنان و پرهیزکاران، باغی از باغ‌های بهشت و بازاری از بازارهای آخرت تعریف شده و مسلمانان نسبت به ساخت آن در هر شهر و دیاری تشویق گردیده‌اند؛ به نحوی که پیامبر اکرم می‌فرماید:

«من بنی مسجد الله بنی ليله له قصر فی الجنة».

«هرکسی به خاطر خدا مسجدی بنا کند، خداوند برای او قصری در بهشت

می‌سازد».

پیوند و تعلق مسلمانان به مسجد که در سایه تبلیغ و توجه به اسلام به این مراکز توحیدی اجتماعی به وجود آمده بود، علاقه و نشاط زایدالوصفی را نسبت به بنای آن در جوامع اسلامی آشکار ساخته بود. به نحوی که محوریت ایجاد و توسعه شهری را همواره مساجد رقم می‌زدند. تاریخ نشان می‌دهد که عملیات ساختمانی شهرهای نوساز، ابتدا با ساختمان مساجد آغاز می‌گردید و شهرهایی که به دست سپاه اسلام گشوده می‌شد و مسلمانان در آن مستقر می‌گردیدند، اولین اقدام‌شان بنای مسجد و آموزشگاه بود و اغلب از بنایی قدیمی مرکز شهر برای ایجاد مساجد استفاده می‌نمودند. به‌طور کلی شهرهای اسلامی از نظر حقوقی در آغاز از يك ویژگی برخوردار بودند و آن اینکه از مسجد جامع و منبر به عنوان وجه تمایز آن‌ها از روستاها برخوردار بودند. طی قرون اولیه در هر شهری تنها يك مسجد جامع وجود داشت که نماز جمعه در آن به جا آورده می‌شد، اما به تدریج با افزایش شهرنشینان، شهرهای بزرگ دارای چند مسجد جامع شده و حتی برخی از روستاهای پرجمعیت از مسجد جامع و منبر برخوردار گردیدند.

مسجد جامع در شهرهای اسلامی همواره در قلب و مرکز شهر جای داشت و موقعیت و جایگاه مسجد جامع در مرکز شهر و اهمیت آن، اساس طراحی شهری به شمار می‌رفت. اولین نقطه‌ای که طراحی می‌شد، مسجد جامع شهرها بود و براساس آن محله‌های شهری را طراحی می‌کردند و آن‌گاه به خیابان‌ها و گذرگاه‌ها و کوچه‌ها می‌پرداختند.

مدینه الرسول نخستین الگوی این طراحی بود، زیرا مسجدالنبی اولین بنایی بود که در وسط شهر طراحی شد و بعد محله‌های مهاجران (که غالباً قطعاتها و فضاهای باز محله‌های انصار بودند که به مهاجران هدیه می‌شد و یا این که زمین‌های خشک و بدون مالک بودن که رسول خدا آن‌ها را میان مهاجرین تقسیم می‌نمود) طراحی می‌شد. باقی شهرهای نوین‌یاد اسلامی که بعد از شهر مدینه ساخته شدند به تمامی از این قاعده پیروی می‌کردند و به عنوان مثال می‌توان به شهرهای کوفه، بصره، فسطاط و قبروان اشاره نمود. از آن پس پیروی از این شیوه در طراحی شهری به صورت سنتی متداول و معمول درآمد و شهرهایی چون واسط، بغداد، فاس و... به همین ترتیب طراحی و ساخته شدند. بعد از آن که رسول اکرم خانه خود را در مجاورت مسجد بنا نمود، این کار وی بعدها به هنگام تأسیس شهرها و محلات جدید به صورت سنتی درآمد که از آن پیروی می‌شد.

نقش مراکز مذهبی و مساجد در نیل به توسعه

پیش از پیشرفت‌های صنعتی و عصر الکترونیک، از جمله مهم‌ترین وسایل تفاهم و ایجاد ارتباط میان مردم گفتار بود. به سخنانی که دارای اصول و قواعد ویژه‌ای بود در تنظیم آنها ذوق و سلیقه‌ای به کار می‌رفت و در مجالس عمومی برای ایجاد انگیزه‌ای نسبت به یک عمل ایراد می‌شد تحت عنوان «خطابه» اطلاق می‌گردید و چون عامه مردم بیشتر از طریق گفتار و نه نوشتار اقناع می‌شدند، به مجامع عمومی چون مراکز مذهبی و مساجد و میادین محلات شهر آمده و به سخنان خطیبان گوش فرا می‌دادند. در جوامع کنونی نیز کرسی سخنرانی و مناظر هم‌چنان از اهمیت به سزایی برخوردار است. پیشوایان دینی و واعظان مساجد و مراکز مذهبی هستند که به تبیین مصالح کشور و اصلاح امور دینی و دنیوی مردم می‌پردازند. سخنوران توانا و چیره‌دست با سخنان مهیج خود، گاهی گروهی از مردم را به انجام کارهایی سخت نظیر گذشتن از جان و مال و فرزند فرا می‌خوانند، زیرا هنر سخنور در این‌گونه امور آنست که در روح و قلب

مردم نفوذ کرده و آنان را با طیب خاطر به مقصود خود رهنمون سازد.^۱ در شالوده نظام اسلامی، مسجد که بنیانی اعتقادی و عبادی و محل آموشد مداوم مسلمانان در اوقات پنجگانه است، محور فعالیت‌های تبلیغی و مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی آنان قرار می‌گیرد؛ در نتیجه مسیر تحول و تطور و توسعه مطلوب اجتماعی از سطح محله‌ای تاملی را فراروی مسلمین می‌گشاید.

در جوامع اسلامی، مساجد در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان حضور فعال داشته و نقش محوری ایفا می‌نمایند. مسلمانان که برای انجام فرایض دینی هر روز به مساجد رفت و آمد می‌کنند، ضمن ادای فریضه نماز با قرار گرفتن در این اجتماع در خلال صحبت با یکدیگر از اخبار جامعه نیز با خبر شده و در جریان مسایل روز قرار می‌گیرند. همچنین وجود منبر در مسجد که از آن به عنوان یک رسانه عمومی در اسلام نام برده می‌شود نیز نقش مهمی در نشر افکار ایفا می‌نماید، به نحوی که سخنران با استفاده از آن به نشر عقاید اسلامی و انتقال مسایل مهم جامعه به مردم می‌پردازد. هر چند ممکن است چنین تلقی گردد که با وجود وسایل ارتباط جمعی پیشرفته امروزی، این نقش مساجد اهمیت قبلی خود را از دست داده است، اما به دلیل پراکندگی مساجد در جوامع اسلامی و گسترش آن‌ها در تمامی نقاط شهری و محلات از یک سو و حرمت و قداست و معنویت خاص آن در نزد مسلمانان از سوی دیگر، سبب شده است تا این مراکز نقش مهم و غیرقابل‌انکاری در کارکرد رسانه‌ای و توسعه ارتباطات ایفا نمایند.

در ایران منبر و خطابه همواره از برترین وسایل ارتباط جمعی محسوب شده و می‌شوند. خطیبان مذهبی و سیاسی در مساجد و مجالس و عظ، زمام افکار مردم را در دست گرفته و بر روی منابر سرنوشت مردم را رقم می‌زنند. امروزه نیز وضع بدین منوال است. در چنین جوامعی هنوز رادیو، تلویزیون و صدها وسیله ارتباط جمعی نتوانسته‌اند جای منابر را پر کنند و گاهی خود این ابزار نیز در اختیار خطیبان درآمده و به نفوذ و کارآیی خطابه آنان هرچه بیشتر افزوده می‌شود.

با این حال، اخیراً مقوله شکاف دیجیتالی موجود میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده، بسیار مورد توجه محافل گوناگون فکری - سازمانی قرار گرفته است. واقعیت امر این است که کشورهای توسعه یافته با دسترسی به سرمایه کافی،

^۱ . مینایی، علی اکبر، منبر و خطابه در صدر اسلام: مسجد ۶، ص ۲۸ .

فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی، منابع انسانی غنی و مدیریت پیشرفته و متخصص، سهم قابل توجهی از بازار فناوری‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و این در حالی است که کشورهای عقب مانده، همچنان گرفتار بحث‌های اولیه، نگاه غیر سیستمیک به موضوع و در برخی مواقع فقر مادی هستند. موضوع مقاله حاضر پیرامون این مسئله است که با چه برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی در زمینه آموزش کاربردی فردی - اجتماعی در به کارگیری فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی و گسترش استفاده از این امکان در عرصه‌های مختلف جامعه به ویژه جوامع محله‌ای می‌توان این شکاف دیجیتالی را کاهش داده و در جهت دستیابی به توسعه همه جانبه، گام‌های اساسی برداشت. در ابتدا پرداخت به این موضوع ضروری است که فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات تنها شامل اینترنت نیست بلکه پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی - ماهواره‌ای و دیگر امکانات دیجیتالی را نیز در بر می‌گیرد. در خصوص توسعه آموزش در جامعه و در دسترس قرار دادن فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی باید اذعان داشت که این مشکل تنها مشکل کشور ایران و کلان شهری چون تهران نبوده و حتی در کشورهای بسیار پیشرفته نیز مشهود است. اصولاً انسان‌ها از يك سنی تمایل چندانی به یادگیری مطالب و عناوین جدید ندارند. به ویژه اگر به آن زمینه خاص، نیاز نداشته و یا حداقل احساس نیاز نکنند. از این‌رو، فاصله و شکافی میان نسل‌ها ایجاد می‌گردد، یعنی نسلی که با کامپیوتر به میزان زیاد فعالیت نموده و نسل دیگری که حتی ممکن است با وجود برخورداری از سواد بالا کاملاً از این قبیل امکانات دور بوده و به اندازه نسل قبل توانایی استفاده از این ابزار را ندارد. این در حقیقت، همان بحثی است که تحت عنوان سواد رقومی در دنیا مطرح شده است؛ یعنی اگر در گذشته، درصد بی‌سوادی و تحولاتش را در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می‌دادیم، آن زمان مبحث جدید بی‌سوادی رقومی و معرفی این افراد به عنوان افراد بیگانه با ابزار دیجیتال مطرح نبوده است. در حال حاضر، این موضوع، نه تنها در ایران که در تمامی نقاط جهان مطرح است.

در حال حاضر، در کشورهایی چون نروژ و ژاپن، دولت‌ها با تخصیص بودجه‌هایی مشخص، برنامه‌ریزی‌هایی در راستای کاهش شکاف سواد رقومی در جامعه آغاز کرده‌اند. به عنوان مثال، در بلژیک، در ساندویچ فروشی‌ها، دستگاه‌های اینترنت در اختیار مشتریان قرار می‌گیرد تا از این طریق هنگام صرف غذا بتوانند در آخرین لحظات جعبه پست الکترونیک خود را نیز بازبینی نمایند. طبیعی است در چنین وضعیتی، افراد سالخورده‌ای که در چنین محیطی به صرف غذا مبادرت می‌نمایند، زمانی که می‌بینند مردم از اینترنت استفاده می‌نمایند،

احساس می‌کنند که چیزی هست که آنها نمی‌دانند و اگر در چنین جایی نمی‌بودند، شاید چنین احساسی نیز نداشتند. چرا که در اصل حرفه اصلی این افراد به این موضوع ارتباطی نداشت. به‌طور کلی می‌توان گفت که برای دست یافتن به توسعه، برخورداری صرف از سخت‌افزارهایی نظیر اینترنت کافی نیست. این قبیل ابزارها زمانی می‌توانند مؤثر باشند که در يك جامعه عقلانیت توسعه یافته باشد. در حال حاضر، خودباوری یکی از ابزارهای کلیدی توسعه به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر هر جامعه‌ای که عزت نفس خود را از دست دهد، اگر چنانچه از تمامی امکانات اقتصادی نیز برخوردار باشد، به توسعه دست نمی‌یابد، در مقابل، هرگاه بتوان این امکانات را در راستای خود باوری، عقلانیت و تبدیل خلاقیت و نوآوری به ارزش به کار گرفت، این اتفاق می‌افتد. از این‌رو، در کشورهای اسلامی من جمله کشور ایران، مساجد می‌توانند در ساعت غیر عبادی و پرداختن به فریضه نماز عملاً برای به کارگیری چنین امکاناتی قابل استفاده باشند. چرا که علاوه بر حضور و مشارکت مردم در سطح محله‌ای، توسعه‌ای نیز در زمینه اطلاع‌رسانی و ارتباطات به وقوع می‌پیوندد. در چنین حالتی به واسطه مرجعیت داشتن مساجد برای افشار مختلف جامعه اعم از باسواد، کم‌سواد، بی‌سواد و پیر و جوان، کلیه افشار مختلف جامعه به ویژه در سطح محله‌ای به استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی - ارتباطی گرایش می‌یابند که این خود به افزایش اندوخته‌های دینی و علمی افراد و نتیجتاً بر توسعه محله‌ای در راستای نیل به توسعه پایدار منتهی می‌گردد. از جمله اقداماتی که در راستای گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی - ارتباطی در سطح محله‌ای در کلان شهری چون تهران می‌توان انجام داد می‌توان موارد ذیل را نام برد.

۱ - راه‌اندازی ایستگاه مطبوعات در مساجد.

۲ - با راه‌اندازی چنین ایستگاه‌هایی در مساجد محله‌های شهری، می‌توان شاهد روی‌آوردن افشار مختلف جامعه برای کسب اطلاعات و اخبار در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، بهداشتی، ورزشی، مذهبی، هنری و... به مساجد و افزایش سطح آگاهی و در نتیجه دستیابی به توسعه محله‌ای خواهیم بود.

۳ - آموزش و خدمات رایانه‌ای در مساجد.

۴ - با وجود معرفی رایانه به عنوان ابزار در جهت اطلاع‌رسانی سریع و آموزشی علوم و یافته‌های جدید و انتقال اطلاعات از يك سو و عدم برخورداری افراد و گروه‌های مختلف از توان خرید یا استفاده از این پدیده نوین از سوی دیگر سبب می‌گردد تا مساجد با به خدمت

گرفتن رایانه‌ها، خدمات فرهنگی، آموزشی، مذهبی، هنری و اجتماعی و... را در اختیار مردم قرار دهند.

۵ - نمایش فیلم‌های آموزشی در مساجد.

۶ - استفاده از برنامه‌های مثبت ماهواره‌ای در مساجد.

۷ - راه‌اندازی حداقل يك خط اینترنت در هر مسجد محله.

از جمله مهم‌ترین مزایای استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در مساجد محله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱ - جذب اقشار مختلف جامعه به‌ویژه قشر تحصیل کرده و قرار گرفتن آنان در کنار کودکان، نوجوانان، جوانان و افراد بزرگسال و تحت آموزش قرار گرفتن این افراد توسط افراد تحصیل کرده که نهایتاً به ایجاد پل ارتباطی میان اجتماع و مساجد منتهی می‌گردد.

۲ - غنی‌سازی اوقات فراغت اقشار مختلف جامعه در چارچوب ارزش‌های دینی و در راستای افزایش آگاهی از اطلاعات در زمینه‌های مختلف.

۳ - افزایش انگیزه‌های حضور مردم در مساجد و علاقه بیشتر اقشار جامعه در راستای برطرف نمودن مسایل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، بهداشتی، مذهبی، اخلاقی و... موجود در محلات شهری.

۴ - برقراری امکان حضور فرهیختگان، اساتید، محققان و دانشجویان در مساجد محلی در راستای ارتقای سطح فرهنگ دینی و توسعه محله.

۵ - آشنایی با کارکردهای مساجد کشورهای اسلامی در راستای اداره هرچه بیشتر و بهتر امور محله و نیل به توسعه محله‌ای.

۶ - ایجاد فرهنگ گفت‌وگو و تبادل اطلاعات فرهنگی، مذهبی، علمی و... در مساجد محلی که خود موجب تقویت کلان فرهنگ و مشارکت و تعامل‌نگری فرهنگ دینی و نهایتاً توسعه محله‌ای خواهد گردید.

مساجد، محوریت ایجاد و توسعه شهری و محله‌ای

با افزایش جمعیت و توسعه شهرهای بزرگ و بالطبع پدید آمدن شهرهای تازه تأسیس با محلات جدید به دور از مسجد جامع موجب شد تا اهالی محلات مختلف جهت انجام فرایض خود به بنای مسجد جدیدی در محل خود مبادرت نمایند، چرا که همان‌گونه که قبلاً نیز بدان اشاره

گردید، محوریت ایجاد و توسعه شهری را همواره مساجد رقم می‌زدند. از جمله مهم‌ترین فاکتورهایی که سبب افزایش تعداد مساجد در محلات مختلف شهرهای گوناگون شدند که این نیز خود در وهله اول به توسعه محله‌ای و ثانیاً توسعه شهری و ازدیاد جمعیت منجر گردید، می‌توان از موارد ذیل نام برد:

۱ - فضیلت وقف و باقیات الصالحات در فرهنگ اسلامی

در برداشت عمومی باقیات الصالحات به آن دسته از اعمال نیکویی اطلاق می‌گردد که دارای اثر فیزیکی و اجتماعی طولانی مدت بوده و مردم در زندگی خود به نوعی از آن منتفع می‌گردند. براساس چنین تلقی است که باقیات الصالحات بیشتر در امور عمرانی و فرهنگی به‌ویژه در احداث مساجد تجلی یافته و دولت مردان و افراد متمکن را بدان ترغیب نموده است که در نتیجه، سبقت در امر مسجد سازی، افزایش تعداد مساجد و توسعه محله‌ای و شهری را به همراه داشته است.

۲ - عدم پیش بینی فضای توسعه در بنای مسجد

گاه کمبود امکانات مادی و محدودیت مکانی و گاه عدم آینده نگری سبب می‌شد که مساجد در مساحت‌های کوچکتری احداث گردند. بعدها که در اثر افزایش جمعیت نیاز به مساجد بزرگتر احساس گردید، به علت عدم امکان توسعه آن، ناگزیر از زمین بزرگ‌تر برای احداث مسجد دیگری می‌شدند، لذا مساجد کوچک در ظاهر کاربری خود را از دست می‌دادند، اما بنابه وظیفه شرعی هم چنان نگهداری شده و برای اجتماعات کوچک‌تر مورد بهره برداری قرار می‌گرفتند.

۳ - روحیه راحت طلبی

خصیصه راحت طلبی انسان، همواره وی را به عبادت در نزدیک‌ترین معابد و مساجد ترغیب نموده و در صورت احساس بعد مسافت، جهت رسیدن به فیض نماز جماعت و حضور پنج‌گانه در مساجد، ایجاد مسجد در نزدیک‌ترین محل سکونت را در رأس برنامه‌های اجتماعی خود قرار داده است. از این طریق با احداث مساجد متعدد در محلات مختلف توسعه محله‌ای و شهری به وقوع می‌پیوست.

۴ - اختلافات قومی و منطقه‌ای

زندگی اقوام مختلف در شهرها، که اغلب در انجام اعمال عبادی دارای روش‌های مختلفی نیز بودند، ناگزیر از احداث مسجدی جداگانه برای خود می‌شدند، تا برحسب اعتقادات و سنن خود، مراسم عبادی را به نحو احسن برگزارد نمایند. گاه در سکونت گاه‌های شهری علی‌رغم هم کیش بودن جمعیتی، افتراق سلاقی، رقابت‌های محلی، اختلافات قومی و قبیله‌ای، پیدایش مساجد جدید و متعاقباً توسعه محله‌ای و شهری را در پی داشت.

آسیب‌شناسی عدم توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلات

عدم رعایت اصول مسلم شهرسازی در گذشته به‌ویژه در بنای مساجد - بار منفی فرهنگی - اجتماعی خود را امروزه به روشنی آشکار می‌سازد؛ به نحوی که، اغلب در محلی از محلات شهری با تورم مساجد و در محله‌ای دیگر با نبود یا کمبود آن مواجه‌ایم. شهر بزرگ تهران خود نمونه بارز چنین وضعیت اسفباری است. تعداد کثیر مساجد در محلات قدیمی و جنوب شهر و نبود یا کمبود مساجد در محلات جدید و شمال شهر کاملاً مشهود است؛ البته چه بسا که عدم انتخاب محل مرغوب و حواشی خیابان برای احداث مساجد، چنین نمودی را به وجود آورده است. اگر فرد غریبه‌ای از داخل و یا خارج از کشور در طی مسیر خود از ابتدا تا انتهای خیابان ولی‌عصر که از خیابان‌های اصلی و محوری شهر تهران است، دقت نماید، چه تصویری از ام‌القرای جهان اسلام به لوح تفکرش نقش می‌بندد. حال اگر همان فرد برای ادای فریضه نماز اراده نموده و احتمالاً در اثر حواس پرتی متوجه مهدیه تهران نشد بدون پرس‌وجو به‌کجا می‌تواند مراجعه کند؟

پی‌آمد چنین وضعیتی اثر آشکاری است که در بررسی محلات گوناگون شهر تهران اعم از محلات قدیمی و نوساز به دست آمد و آن این که هرچه به سمت محلات قدیمی‌تر پیش می‌رویم، محلات از غنای فرهنگی - اجتماعی اسلامی بیشتری برخوردار بوده و مساجد به خوبی به ایفای نقش در شناساندن جایگاه محله در ساختار بافت کلان شهر تهران پرداخته‌اند و در مقابل هرچه از محلات جدید گذر می‌کنیم با فقر فرهنگی - اجتماعی اسلامی و قرابت با فرهنگ بیگانه و عدم محسوس بودن محلات به عنوان اجزای خرد جامعه کلان شهر تهران و توسعه مفاهیم غیراقتصادی آن مواجه می‌شویم.

علت عمده توسعه نیافتگی به‌ویژه در سطح محله‌ای را باید در انتخاب الگوی توسعه جستجو نمود. در گذشته الگوی توسعه درون‌زا بود و این در حالیست که در دوران اخیر، الگوی توسعه برون‌زا مورد توجه قرار گرفته است.

در الگوی برونزا، کلیه ویژگی‌های ملی و محلی به عنوان مانع تلقی می‌شود که باید از سر راه برداشته شوند تا بستر برای استقرار الگوی برونزا آماده گردد. لذا عمده سرمایه‌ها صرف مقابله با مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی کشور می‌شود و چون فرهنگ پدیده‌ای پویا است، هر از چند گاهی همانند نهنگی که سندیاد بحری آن را جزیره‌ای امن تصور می‌نمود و با خیالی آسوده اجاقش را روشن نمود، اما به يك نهنگ حرکت کرده و همه چیز را درهم می‌ریخت، ترمیم خود را آغاز نموده و آن چه مصنوع و پیوندی است را به هم می‌ریزد؛ از این رو بیشترین سرمایه‌ها صرف مقابله با مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی کشور می‌گردد، در حالی که الگوی توسعه برونزا، چنین مزیت‌هایی به عنوان سرمایه‌هایی تلقی می‌گردند که باید در توسعه پایدار به ویژه در سطح محله‌ای نقش مثبت خود را ایفا نموده و به عوض آن که مردم مناطق و محلات، سهم خود را از توسعه مطالبه کنند، نقش خود در توسعه را جستجو می‌کنند. بنابراین راه حل این است که الگوی توسعه شهری به ویژه توسعه محله‌ای قرار دهیم. در این راستا باید در گذشته تاریخی - مذهبی خود پژوهش کرده و با توجه ویژگی‌های ساختاری هر محله، آنها را بومی نمود تا بتوان توسعه‌ای مبتنی بر مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی برنامه‌ریزی نمود.

نتیجه‌گیری

انسان‌های روی کره خاکی، برای رفع نیازهای اولیه و مشترک‌زیستی خود در مناطق جغرافیایی و اقلیمی متفاوت دست به اقدامات متنوعی زده‌اند که باعث ایجاد نیازهای ثانویه متنوعی گردیده است.

این نیازهای ثانویه، در برخی مواقع، اهمیتی فراتر از نیازهای اولیه به خود گرفته است. تلاش‌های متنوع و ابداعی بشر برای تأمین نیازهای اولیه و مشترک در سرزمین‌های مختلف سرمنشأ ایجاد تنوع فرهنگی گردیده است و لذا شناخت تنوع فرهنگی در حقیقت شناخت ابداع و ابتکارات بشر در طول تاریخ و ظرفیت‌های متفاوت مناطق می‌باشد که ما از آن به‌عنوان مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی یاد می‌کنیم که از سرمایه‌های جاودانه بشر محسوب می‌گردند و چنان چه به خوبی شناخته و به کار گرفته شوند، رشد و توسعه بشری را به همراه خواهند آورد. متأسفانه در طول يك و نیم قرن گذشته، از این موضوع غفلت شده است و به‌لحاظ تقلید از فرهنگ مدرن، مردم در جوامع مختلف به‌ویژه جوامع محله‌ای، سرمایه‌های اصلی خود را به فراموشی سپرده‌اند، در صورتی که در نهضت بازگشت به خویشتن چنان چه مردم هر شهر

و منطقه و محله‌ای از زاویه مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود بتوانند وارد میدان توسعه شوند سرمایه‌های مهمی را برای عرضه دارند. در حال حاضر، چون مردم نسبت به مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود دچار فراموشی شده‌اند، برای مشارکت در توسعه دست خود را تهی می‌بینند و سهمی از توسعه را مطالبه می‌کنند، در صورتی که اگر آنها به ظرفیت‌ها و استعدادها بالقوه و متنوع تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود پی ببرند و بدانند که برای تسریع جریان توسعه به‌ویژه در سطح توسعه محله‌ای، سرمایه‌های مهمی برای عرضه دارند، خواهان ایفای نقش مثبت در توسعه خواهند شد. در شهرها و محلات اسلامی، مساجد اصلی‌ترین منبع چنین سرمایه‌هایی به‌شمار می‌آیند.

منابع و مأخذ

- ۱ - مینایی، علی اکبر، منبر و خطابه در صدر اسلام، مسجد ۶ ، ص ۲۸ .
- ۲ - نقش مسجد در توسعه، چهارم شهریور ۱۳۸۳ ، سال ۶۲ ، شماره ۱۸۰۳۹ .
- ۳ - اعتضادی، لادن، توسعه در پرتو توحید.
- ۴ - میرخانی، عباس، مساجد و توسعه اجتماعی در ایران.
- ۵ - آریان منش، جواد، نقش مساجد در توسعه شئون اجتماعی.